

مسئولیت مطلق در تخریب محیط زیست از دیدگاه فقهی^۱

دکتر عباس گوهری*

مهدی بیژنی**

چکیده:

موضوع تخریب محیط زیست از مسائل مهم و جدید در عرصه فقه و حقوق اسلامی به‌شمار می‌رود که زوایای آن به‌خوبی برای مجامع علمی و دینی روشن نشده است. بدیهی است با معلوم نبودن حدود و نیز اهمیت موضوع، نباید انتظار عکس‌العمل مناسب از مآخذ تصمیم‌گیری و صدور احکام شایسته داشت. از نظر فقهی، پذیرش مسئولیت بدون اثبات تقصیر و به‌عبارت دیگر، وضع مسئولیت مطلق برای تخریب‌گران محیط زیست، بی‌مانع است ولی متأسفانه مبنای عملی دادگاه‌های ایران که بر اثبات تقصیر مبتنی است، از تخریب‌های روزمره محیط زیست نمی‌تواند جلوگیری کند، در حالی که مبنای مسئولیت مطلق در فقه امکان پذیرش و کارایی لازم را دارد. تلف مال غیر، از ارکان تحقق مسئولیت مدنی است. ائتلاف مواهب مشترک و مصادیق انفال از مصادیق ائتلاف مال غیر است، گرچه در واقع، مفهوم مال را در عرصه محیط زیست باید اندکی گسترش داد تا مصادیقی چون هوا نیز در محدوده این تعریف وارد شوند. در حقیقت مال غیر را فقط اموال خصوصی و مصادیق موجود در آن عرصه نباید دانست، از سویی حیطه اموال خصوصی در ارتباط با نظریه برگزیده، گاهی بهره‌برداری از دو قاعده سلطنت بر اموال و اباحه استفاده از انفال، به‌دلیل تعارض با منافع عمومی، در حیطه قاعده لاضرر محدود گردیده است، چنانکه «لا ضرر» فقط نفی حکم نمی‌کند و در موارد تحقق ضرر به‌دلیل عدم حکم، اثبات حکم نیز می‌نماید. البته محروم کردن نسل‌های بعدی از انتفاع از محیط زیست نیز از مصادیق‌های مشخص ضرر است. گفتنی است که گزینش مبنای مسئولیت مدنی درباره‌ی تخریب محیط زیست نخست در راستای پیشگیری از ورود زیان است نه مجازات؛ دوم فلسفه‌ی حمایت از محیط زیست در برابر تخریب، علی‌رغم دیدگاه طبیعت‌محور (بیوستتریک) و دیدگاه انسان‌محور (آنتروپوستتریک)، از منظر فقهی، دیدگاه انسان - طبیعت‌محور (آنترو بیوستتریک) است.

کلیدواژه: مسئولیت مدنی، مسئولیت مطلق، اسلام، روایات، فقه، ضرر، محیط زیست.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۲/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۵/۵

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - a-gohari@iauctb.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

مقدمه:

در آموزه‌های اسلامی، عناصر طبیعت نظیر: آب، هوا، درختان و گیاهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. اسلام، محیط زیست را واحدی تجزیه‌ناپذیر در نظر می‌گیرد و انسان را از محیط زیست در جهان هستی؛ جدا نمی‌داند. با وجود آن‌که طبیعت و محیط زیست در اختیار انسان، به عنوان خلیفه‌ی الهی در زمین قرار داده شده است ولی نشانه‌ای از قدرت و عظمت الهی توصیف شده که این «خلیفه» را آن‌گونه که شایسته‌ی اوست، به آنها متعهد می‌نماید. در آیات بسیاری از قرآن به این مسأله توجه گردیده است، از جمله در آیه ۱۱۵ سوره‌ی مؤمنون خلقت انسان‌ها و تمامی موجودات عالم از جمله مظاهر محیط زیست بوده که براساس تدبیر و هدف می‌باشد. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»: آیا می‌پندارید که شما را بی‌هوده آفریدیم و شما به‌سوی ما باز نمی‌گردید؟ (مؤمنون، ۱۱۵) در آیات دیگری به منع فساد دستور می‌دهد: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» و در زمین پس از اصلاح آن، فساد و تباهی ننمایند. (اعراف، ۵۶) هو أنه سبحانه نهی عن كل فساد قل أو كثر بعد صلاح قل أو كثر. فهو على العموم على الصحيح من الأقوال. - قال الضحاک: معناه لا تعوروا الماء المعین، و- لا تقطعوا الشجر المثمر ضارا. وقد ورد: قطع الدنانیر من الفساد فی الأرض. وقد قيل: تجارة الحکام من الفساد فی الأرض. و- قال القشیری: المراد و- لا تشرکوا، فهو نهی عن الشرک و- سفک الدماء و- الهرج فی الأرض، و- أمر بلزوم الشرائع بعد إصلاحها، بعد أن أصلحها الله ببعثه الرسل. به دلالت برداشت بعضی از مفسران، تخریب محیط زیست را می‌توان از مصادیق بارز فسادانگیزی بر روی زمین دانست (قرطبی، فهارس الجامع، ۷، ۲۲۷).

بنابراین، فساد در این آیه شامل هر نوع تصرف ناشایست انسان‌ها در طبیعت می‌گردد که از نظر قرآن کریم ممنوع و حرام است؛ زیرا که استفاده از محیط زیست می‌بایست هدفمند و ارزش‌مدار باشد. با نگاهی اجمالی در روایات نیز این مبنا را می‌توان تحصیل کرد که معروف‌ترین روایت در این باب روایت ذیل از امام علی (ع) است: «اتقوا الله فی عباده و بلادہ فانکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم» از خدا بترسید درباره‌ی بندگان و شهرهای او؛ زیرا که در قیامت از همه چیز حتی، در مورد اماکن و حیوانات نیز مورد سؤال واقع می‌شوید (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۷).

بنابر ظاهر این روایت، استفاده ابزاری از محیط زیست و حیوانات در مکتب تعالی بخش اسلام ناپذیرفتنی است و انسان‌ها حتی در مورد اماکن و موجودات زنده مورد سؤال واقع می‌شوند. شکار تفریحی در روایات و فتواهای فقیهان شیعه نیز فعلی حرام تلقی شده که حرام بودن سفر، موجب تمام بودن نماز شکارچی می‌گردد. درحالی که بنابر قاعده کلی، نماز مسافر می‌باید شکسته باشد نه تمام. امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش زراره در مورد شکسته یا تمام بودن نماز صیادی که برای تفریح به شکار می‌رود، فرمود نماز وی شکسته نیست. «انما خرج فی لهو لا یقصر» و دلیل شکسته نبودن آن شکار لهو (تفریح) کردن است و نمازش تمام است. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۵، باب ۸، ح ۲) بنابراین، شکار برای رفع نیاز و ارتزاق صیاد مجاز اعلام گردیده و صیاد با طی مسافتی لازم نماز خود را باید شکسته بجا آورد و در صورتی که شکار به دلیل تفریح باشد، صیاد به دلیل اینکه مرتکب فعل حرام گردیده است، لذا نماز را باید تمام بجا آورد و نه شکسته.

از آن روی که محیط زیست فقط برای ابزار در اختیار انسان قرار نمی‌گیرد، بلکه امانتی می‌باشد که در اختیار وی قرار گرفته است. خلیفه‌ی الهی در زمین است که می‌باید با استفاده‌ی صحیح از آن به تعالی برسد، نه مانند دیدگاه افراطی انسان‌محوری، که همه‌ی مواهب طبیعی را در اختیار اقتصاد خود قرار دهد و نه مانند آن دیدگاه افراطی بعضی از گروه‌های غربی، که حتی مخالف با ذبح گوسفند هستند و بنابر عقیده‌ی آنان، انسان‌ها حق ذبح هیچ حیوانی را ندارند و باید به خام‌خواری و گیاه‌خواری خود را عادت دهند.

تخریب محیط زیست، از موضوعات تازه‌ای است که انسان معاصر به‌طور جدی با آن روبه‌روست و مسئولیت مدنی برآمده از تخریب محیط زیست از ابعاد آن است که بیانگر نوع مسئولیت در نظر گرفته شده، برای تخریب‌گران محیط زیست را بیان می‌کند. هدف این مقاله نیز بررسی نظریه مسئولیت بدون اثبات تقصیر (= مسئولیت مطلق) برای تخریب‌گران محیط زیست است. برای اثبات این نظریه در این موضوع، دلایل کافی اعم از آیات و روایات و فتوای فقیهان و آثار تدوین شده اسلامی وجود دارد. این مقاله با طرح مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست به پشتوانه فقه و با اشاره‌ای کوتاه به جایگاه تخریب محیط زیست در حقوق ایران، در پی اثبات این مطلب است که آموزه‌های اسلامی خصوصاً قبول بر مسئولیت مطلق در مواقع خاص،



صرفاً در این اثبات، نگاه محترمانه به طبیعت نیست، بلکه در پی اثبات دیدگاه حفاظت از طبیعت و مواهب الهی همگانی است. این مقاله از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول شامل کلیات، بخش دوم شامل مبانی نظری مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست و بخش سوم شامل ارکان مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست، که در این سه بخش جوانب گوناگون این مسأله را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

بخش اول: کلیات

مطالب این فصل طی دو مبحث جداگانه ارائه می‌گردد. مبحث نخست به تعاریف و مبحث دوم به بحث از انفال و مرزهای جغرافیایی و گفتگو درباره‌ی منابع فقهی (سنت، قرآن) و آثار نویسندگان اسلامی در مورد محیط زیست اختصاص یافته است.

– مبحث نخست: تعاریف

در این مبحث در دو گفتار به تعریف واژه‌های مسؤولیت مدنی و تخریب و محیط زیست می‌پردازیم.

۱- مسؤولیت مدنی در حقوق

در اصطلاح حقوقی «مسؤولیت مدنی» دو معنای عام و خاص دارد. در معنای عام به هرگونه تعهدی که قانون برعهده شخص قرار داده‌باشد تا زیان وارد شده به دیگری را جبران کند، مسؤولیت مدنی می‌گویند، اعم از اینکه ریشه قراردادی داشته باشد یا نه. بر این اساس، مسؤولیت مدنی به دو شاخه «مسؤولیت قراردادی»، مسؤولیت مدنی «غیر قراردادی» تقسیم می‌شود. (بادینی، فلسفه مسؤولیت مدنی، ۳۳ و ۳۲)

الف) مسؤولیت مدنی قراردادی

هدف از انعقاد عقد، اجرای آن است. عدم اجرای قرارداد برابر با عدم انعقاد قرار داد است. به همین دلیل، قانون‌گذار برای اجرای قرار داد الزاماتی مثل حق حبس و حق فسخ و اجبار به اجرای



عین تعهد و غیره پیش بینی کرده است. (شهیدی، تشکیل قرار دادها و تعهدات، ش ۱۵)

ب) مسئولیت مدنی قهری

مسئولیت مدنی قهری، برخلاف مسئولیت مدنی قراردادی که از قرارداد بین طرفین نشأت می‌گیرد، مسئولیت مدنی قهری مربوط به امور غیرقراردادی و پیش‌بینی نشده است و از دیرباز ذهن‌ها مشغول به این بوده که زیان‌های پیش‌بینی ناپذیر و گریزناپذیر را چگونه جبران نماید. (احمد سنه‌وری، الوسیط فی شرح قانون المدنی، ۱، ۷۴۹ و ۷۵۰)

۲- مسئولیت مدنی در فقه

واژه مسئولیت در زبان عربی مصدر جعلی از «مسؤول» است و در آیات و احادیث اسلامی به معنای مورد بازخواست و مجازات واقع شدن به دلیل انجام یا خودداری از انجام کاری استعمال شده است. برای مثال در آیه «... إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» بی‌گمان انسان در برابر کارهایی که چشم و گوش و دل او انجام می‌دهد، مورد سؤال قرار می‌گیرد. (اسراء، ۱۷) یا در روایت نبوی (ص) آمده است: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیه»: همه شما نگهبان زیردستانید و درباره‌ی آنها از شما سؤال می‌پرسند. (کافی، بی‌تا، ۱، ۲۱۱). و معنی «تلك الکلمه فی هذه النصوص التبعه و المواخذة و المجازاه عن العمل الذی يقوم به المرء» و مترادف کلمه «المسؤولیه بهذا المعنی مصطلحی التکلیف و الاهلیه فی الاصطلاح الاصولی» مسئولیت به معنای مورد بازخواست واقع شدن با دو اصطلاح «تکلیف» و «اهلیت» در اصول مترادف است. (سراج، ضمان العدوان، ۶۴) در حقوق اسلام معنای مسئولیت حقوق را باید در کلمه‌ی «ضمان» جست‌وجو نمود. مفهوم لغوی ضمان برگرفته از «ض. م. ن» است و در معانی مختلفی به کار رفته است. مثل «قرار دادن چیزی در شیء‌ای به گونه‌ای که آن را پوشش دهد.» اصطلاح ضمان در قرآن کریم به کار رفته، اما هم‌معنای آن به کار رفته است. برای نمونه «وَلَمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ» هر آن کس که پیمانانه ملک را بیاورد، یک بار شتر «گندم» جایزه او و ذمه‌ی من در مقابل آن گرو خواهد بود. (یوسف، ۷۲) زعیم در این آیه به معنی کفیل و ضامن آمده است. اما در بسیاری از روایات کلمه‌ی ضمان به کار رفته است، مثل «کل شی یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما بصیبه»



هر آنچه در سر راه مسلمانان قرار بگیرد، صاحب آن شیء در دنبال برخورد دیگران به آن ضامن است. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۹، باب ۹، ح ۱) و فی مصطلحات الفقه: «الضمان بالمعنی العام اشتغال الذمه الذی هو سبب من اسباب الشرعیه و قریب بمعنی التعهد و الالتزام فی القانون»؛ در اصطلاح فقها نیز ضمان در معانی زیر استعمال شده است: در معنای عام، ضمان یعنی اشتغال ذمه‌ای که به سببی از اسباب شرعی به وجود آمده باشد و به معنای «تعهد و الزام و التزام» در حقوق نزدیک است. (سراج، ضمان العدوان، ۵۸۰)

۳- تخریب و محیط زیست

تعریف لغوی:

تخریب بر وزن تفعیل، مصدر است و ریشه‌ی آن «خَرَبَ» به شمار می‌رود. «خَرَبَ» به معنای معطل ماندن شیء از منفعت معنا کرده‌اند. (مصطفی، معجم الوسیط، ۲۲۳) در فرهنگ فارسی نیز خراب کردن را تباه کردن و ویران نمودن معنا نموده‌اند. (عمید، فرهنگ عمید، ۱۳۷۱) گاهی به جای تخریب از کلمه‌ی آلودگی استفاده می‌کنند، درحالی که آلودگی یکی از افراد تخریب به شمار می‌رود. لذا آلودگی به معنی مالیده شدن چیزی به چیزی، به طوری که اثری از آن در زمین بماند، آمده است و گاهی به معنای کثیف شدن، دین، وام، بدهکاری و تیرگی آب به کار رفته است. (معین، فرهنگ معین، ۱، ۸۴) برای تعریف آلودگی محیط زیست به تعریف زیر می‌توان استناد نمود. آلودگی محیط زیست عبارت است از: هرگونه تغییر در ویژگی‌های اجزای متشکل محیط به طوری که استفاده پیشین از آنها ممکن نگردد و به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد. (دبیری، آلودگی محیط زیست، ۱۱)

۴- محیط زیست

الف) تعریف لغوی و اصطلاحی

محیط واژه‌ای عربی و اسم فاعل از باب افعال و ریشه‌ی آن «حوط» است. (معلوف، المنجد



الاجدی، ۲، ۱۵۴۲) به معنای احاطه کننده، مکان زندگی آدمی آمده است. زیست، واژه‌ای فارسی و مترادف زندگی و حیات به‌شمار می‌رود. بنابراین محیط‌زیست از نظر لغوی به معنای محل زندگی، سکنا و نیز آنچه زندگی را دربرگرفته است. (عمید، فرهنگ عمید، ۲، ۱۷۷۴). محیط زیست از نظر اصطلاحی عبارت است از «فضایی با تمامی شرایط فیزیکی و بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره که همه موجودات زیست‌کننده در آنها را شامل می‌شود و مجموعه روابط بین آنها را در بر می‌گیرد.» (دفتر حقوق و امور مجلس، مجموع قوانین و مقررات، ۱، ۲۳) البته هیچ تعریف جامعی که محیط‌زیست را به‌طور جامع و مانع تعریف کرده باشد، وجود ندارد بلکه در آنها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی و شهری و مناظر سخن گفته شده است. طبیعت از ماده «طبع» است و برخی آن را مترادف محیط زیست می‌دانند. طبیعت از نظر لغوی به معنای فطرت، سرشت، ماده و جهان مادی آمده است. قدما آب، باد، خاک و آتش را «طبایع اربعه» می‌گفته‌اند. (عمید، فرهنگ عمید، ۲، ۱۳۹۴)

ب) تفاوت بهره برداری از محیط زیست با تخریب

بی‌تردید، خداوند بزرگ انسان را از خاک خلق کرده و روزی او را در زمین قرار داده است، به‌رمندی‌های گوناگون افراد بشر از مواهب طبیعی از همین روی است. قوانین وضع شده نیز هیچکدام در پی مسدود کردن استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست نیستند. بی‌گمان استفاده بی‌رویه و تخریب این مواهب ممنوع است و در قوانین وضع شده نیز استفاده غیرمترعارف از جنگل و مراتع، منع شده است. در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۶ هم به حفاظت و هم به بهره‌برداری توجه شده است. این قانون نشان می‌دهد که هر نوع بهره‌برداری منع نشده است. طبق ماده ۴۴ قانون یاد شده چرانیدن بدون اخذ پروانه دام در مناطق قُرق شده ممنوع اعلام شده است. بنابراین، چرای دام در امکانی که ضرر اساسی به مراتع نرساند، مجاز است. (تقی‌زاده انصاری، حقوق محیط زیست، ۵)

ج) رویکرد قوانین و مقررات زیست محیطی در حقوق ایران

در حقوق ایران نگاه اجمالی به قوانین موجود، بیانگر آن است که قوانین ایران که برگرفته از برداشت‌های دینی و مذهبی و اعتقادات عمیق مردم این سرزمین است با نگاه ارزش ذاتی، به



محیط زیست می‌نگرد. به عبارت دیگر، برخی از قوانین و مقررات ایران بر رویکرد ذاتی تأکید می‌کنند. در اصل پنجاهم قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست و یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است. در مواد ۱ و ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و آئین نامه اجرایی آن، قوانین برنامه ای از جمله ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع و.. در حوزه «محیط زیست طبیعی» به ارزش‌های ذاتی و طبیعی محیط زیست توجه ویژه گردیده است.

۵- تقصیر

الف) تعریف لغوی تقصیر

تقصیر مصدر عربی از ریشه‌ی «قَصِرَ يَقْصِرُ» است که در عربی با «ات» و در فارسی با «ها» و به ندرت با «ات» جمع بسته می‌شود و معمولاً با پسوندهای؛ کردن، افتادن، بستن، رفتن و آمدن همراه شده و معنای مختلفی دارد. (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۳۷). در حقوق فرانسه برای تقصیر از واژه «Lafaute» و برای تقصیر عمدی از «Ulpabilit» استفاده می‌شود. (F.H.Law. Introduction to French Law 197. 218) معادل انگلیسی تقصیر «Fault» و «Failure» می‌باشد که از واژه‌های دیگری مثل «Negligence tort» و «Need lessness» در این باره استفاده می‌شود. (con cise Dictionary of Law . Blacks law Dictionary. 148) در متون حقوقی عربی نیز برای بیان مقصود از واژه‌های خطا، اهما، تقصیر و عدم احتراز، استفاده شده است. (احمد سنه‌پوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ۱، ۷۷۶)

ب) معنای اصطلاحی تقصیر

در متون فقهی به معنای مبنای ضمان در موارد معین و در کتاب دیات و غضب زیاد استعمال شده است، ولی تعریف مشخصی از آن به عمل نیامده و شاید به دلیل وضوح آن به عرف واگذار شده است. (خویی، مبانی تکلمه المنهاج، ۲، ۲۲۱)

مبحث دوم: انفال و مرزهای جغرافیایی و گفتگو درباره‌ی منابع فقهی (سنت،

قرآن) و آثار نویسندگان اسلامی در مورد محیط زیست

این مبحث در دو گفتار به بحث از انفال و مرزهای جغرافیایی و گفتگو درباره‌ی منابع فقهی

(سنت و قرآن) و آثار نویسندگان اسلامی نسبت به بحث محیط زیست و منابع آن می‌پردازد.

- انفال و مرزهای جغرافیایی در بحث محیط زیست

آنچه در مقوله محیط زیست مطرح می‌گردد، با بحث انفال چه ارتباطی دارد؟ آیا مقوله انفال که از مفاهیم موردقبول اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی است، در همان عناصر محیط زیست خلاصه می‌شود و یا چیزی فراتر از آن را تداعی می‌نماید؟ در بحث ارتباط مرزهای جغرافیایی و محیط زیست، آیا از حقوق محیط زیست و مسئولیت تخریب آن، می‌توان سخن گفت و آن را به مرزهای جغرافیایی یک یا چند کشور می‌توان محدود نمود و یا اینکه محدود به مرزهای جغرافیایی یک یا چند کشور نمی‌تواند باشد.

۱- انفال و محیط زیست

الف) مفهوم انفال

این منظور درباره‌ی معنای لغت انفال در لسان العرب می‌گوید: النَّفْلُ، بالتحریک: الغنیمَةُ و الهبَةُ و الجمع أنْفَال و نِفَال؛ «نَفْلٌ» به معنای غنیمت و هبه است و جمع آن انفال و نفال است. (ابن منظور، لسان العرب، ۱۱، ۶۷۱) انفال در فقه امامیه عبارت است از اموالی که در اختیار پیامبر(ص) و پس از او در اختیار امامان معصوم(ع) قرار می‌گیرد و آنان به هرگونه که صلاح بدانند، مصرف می‌کنند. امام خمینی(ره) در تحریرالوسیله می‌نویسند: انفال چیزی است که امام(ع) به خصوص به خاطر منصب امامتش مستحق آن است، همان طوری که پیامبر(ص) به دلیل ریاست الهی‌اش، انفال متعلق به او بود. (موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ۱ و ۲، ۲۸۸) در نتیجه، انفال همه‌ی عطایا و



اموال و ثروت‌های خدادی را می‌گویند، که خداوند متعال به پیامبر(ص) و امام معصوم(ع) پس از او اعطا نموده است. این اموال به ورثه‌ی امام منتقل نمی‌شود و امام هرگونه صلاح بداند آنها را مصرف می‌کند. از جمله انفال، اراضی موات است که از مسائل اتقاقی و اجماعی است که از آن زمامدار اسلامی است و اخبار فراوانی این تعلق را می‌سازد. (منتظری، بی‌تا، ۳۳۴) زمین موات شامل زمین‌هایی است که هرگز در آن کشت و کار نشده و یا مدتی قابل بهره‌برداری بوده و صاحبان آنها، آن را به صورت مخروبه رها کرده‌اند. معنای عرفی زمین موات؛ زمین بیکار مانده است که شامل هر دو مورد یاد شده می‌گردد. روایات نیز این معنا را تأیید می‌نماید. آنچه در روایات آمده موارد زیر را انفال می‌شمارد:

- غنایم جنگی
- اموال بی‌صاحب که شامل زمین‌های رها کرده و معطل هم می‌شود.
- زمین‌های موات
- کوه‌ها، دشت‌ها و درختان
- سواحل دریاها
- اموال مصادره شده از سلاطین کفار، اعم از زمین‌های شخصی و مرکب‌ها و اموال منقول آنها

- غنایمی که لشکریان اسلام بدون اذن امام(ع) به دست آورده‌اند.

- معادن

- میراث من لا وارث له (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۶، باب ۱، ح ۴)

ب) مصادیق انفال و عناصر محیط زیست

به نظر می‌رسد که مصادیق انفال گسترده‌تر از عناصر محیط زیست باشد. مصادیق انفال عبارتند از:

- زمین‌های موات یا رها شده
- معادن
- دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی





- کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نی‌زارها، بیشه‌های طبیعی و مراتعی که حریم نیست
- ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک
- و اموال عمومی که از دست غاصبان مسترد می‌شود. بدیهی است که مواردی مثل اموال مجهول المالک، ارث بی‌وارث و اموال عمومی مسترد شده از دست غاصبان جزء انفال به شمار می‌رود، ولی جزء مواهب طبیعی در محیط زیست نیستند. بر این اساس رابطه‌ی منطقی بین انفال و عناصر محیط زیست رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق است. بنابراین اگر حکم مالیت و مالکیت انفال را بتوان روشن نمود، حکم مالیت در مالکیت مواهب طبیعی در محیط زیست که قابل قیمت‌گذاری هستند نیز روشن خواهد شد.

ج) مالیت و مالکیت انفال

از نظر لغوی مال را چنین تعریف کرد: «المال ما یبذل بازائه المال: مال چیزی است که در مقابل آن مالی داده شود.» (بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۲، ۲۰) از نظر اصطلاحی نیز، مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم نیازهای معیشتی آنها را برطرف می‌نماید. (همان، ۳۰) طبق این تعریف اطلاق مال به خاک و هوا نیز که در رفع نیازهای معیشتی مردم دخیل هستند مانعی ندارد. (همان) و بر همین اساس، مواهب طبیعی که اجزای تشکیل دهنده محیط زیست جهان هستند نیز مال محسوب می‌گردند. مالکیت یا ملکیت نیز در لغت به‌معنای تسلط بر چیزی و زمام‌داری و اختیارداری درباره‌ی آن چیز است. (دفتر همکاری حوزه دانشگاه، مبانی علم اقتصاد، ۸۹)

د) حکم انفال

در قرآن آیه‌ی «یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ» (انفال، ۱) و در روایات، روایت «محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابی‌عنه عن ابن ابی عمیر عن حفص البختری عن ابی عبدالله (ع) قال: الانفال ... لرسول الله (ص) و هو للامام من بعده یضعه حیث یشاء.» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۶، ۳۶۴، ح ۱) استفاده می‌شود که انفال مال پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) است و آنان به هرنحو که صلاح بدانند، می‌توانند در آن تصرف کنند یا اجازه تصرف در آن را به

دیگران بدهند. در مورد حکم انفال و تملک و تصرف در آن خصوصاً در عصر غیبت نکاتی را باید بررسی کرد:

(۱) اولاً و بالذات خداوند تعالی مالک جمیع اموال و املاک است که این ملکیت حقیقی و تکوینی است و مالکیت مردم بر اشیاء و اموال اعتباری است که شرع مقدّس در بعضی موضوعات و شرایط خاص آن را اعتبار نموده است.

(۲) خمس و انفال در اختیار امام معصوم بوده و تصرف در آنها بدون اذن امام (ع) حکم به غصبی بودن را دارا می‌باشد و این به زمان حضور یا غیبت امام ربطی ندارد و در زمان غیبت نیز سرپرستی اموال با ولی فقیه خواهد بود.

(۳) والانفال کان ارض خربه قدباد اهلها؛ و کل ارض لم یوجف علیها بخیل و لا رکاب ولکن صلحواعلیها و اعطوا بایدیهم علی غیرقتال؛ از جمله موارد انفال، اراضی موات و اراضی معطله است که پس از آبادانی به حال خود رها شده باشد و نیز زمین‌هایی که در جنگ از کافران گرفته شده باشد. (صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۱۶، ۱۱۶؛ عاملی، الروضه البهیة، ۲، ۸۴)

(۴) نکته مهم دیگر در ارتباط با مالیت و مالکیت انفال این است که چون انفال و مواهب طبیعی محیط زیست در تملک اشخاص قرار ندارد، اطلاق «مال غیر» به آنها صحیح به نظر می‌رسد و اتلاف و فساد آنها ضمان آور خواهد بود.

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: انتفاع و بهره‌برداری از اموال عمومی منوط به رعایت میزان عرفی است و زیاده‌روی به نحو غیرمستعارف حرام و چنانچه مورد اتلاف و ضرر باشد ضمان آور است. (موسوی خمینی، مکاسب محرمة، ۱، ۱۲۳) بنابراین، بهره‌برداری نامستعارف از کوه‌ها و زمین‌های موات و شکار و غیره ضمان می‌آورد. بر این اساس دو مطلب در اینجا باید بررسی شود: مطلب نخست، تعارض قاعده سلطنت بر اموال با منافع عمومی؛ قاعده‌ی سلطنت یا تسلیط به مالک اجازه می‌دهد که در ملک خود هرگونه تصرفی به عمل آورده، بی‌آنکه کسی برای او مزاحمتی پدید آورد و هرچاکه در حق تصرف مالک تردید شود، به این قاعده تملک می‌شود. «الناس مسلطون علی اموالهم»: مردم بر اموالشان سیطره دارند. (مصطفوی، ۱۳۶) اما در هنگام تراحم این قاعده با منافع اجتماعی، این قاعده محدود می‌شود. برای مثال، اگر کسی با سلطه بر



اموال خود بخواهد باغ سرسبز خود را به آتش بکشد یا با تأسیس کارخانه‌ای در زمین خود، با تولید گازهای سمی ساکنان منازل اطراف را دچار مشکلات تنفسی نماید، بی‌تردید سلطه‌ی شخص در این مواقع محدودیت خواهد داشت. محدودیت یاد شده در این مثال، به دلیل آن است که سلطه می‌بایست عرفی و عقلایی باشد. (موسوی خمینی، مکاسب محرمه، ۱، ۱۲۳) به آتش کشیدن باغ سرسبز، تصرف عرفی و عقلایی نیست. عدم تأسیس کارخانه، ضرر به مالک زمین است و تأسیس آن ضرر به عموم ساکنان که در هنگام تعارض این دو ضرر، منافع عموم بر منافع شخصی مقدم است و باید ضرر بر شخص را بر ضرر به عموم ترجیح داد. در نتیجه، در مواقعی که تصرف شخص در ملک خود، به زیان محیط زیست انجامد؛ چنین سلطنتی مطلق نیست.

مطلب دوم. تعارض انفال با منافع عمومی: در این باره بعضی از فقیهان مانند صاحب جواهر در این مورد می‌گویند: المسأله (الثالثه) صرح جماعه بانه (ثبت) شرعاً (اباحتهم) عليهم السلام المناكح و المساكن و المتأجر فی حال الغيبه كما نطق بعین ذلك المرسلعن الصادق عليه السلام المروى عن غوالی الثالی، بل اختص هو من بین اخبار الباب بهذا الجمع و هذا اللفظ، قال: (سأله بعض اصحابه فقال: یا بن رسول الله ما حال شیعتکم فیما خصکم الله به اذا غاب غائبکم و استتر قائمکم؟ فقال (عليه السلام): ما انصفناهمان و اخذناهم؛ و لا اجبناهم ان عاقبناهم؛ نبیح لهم المساكن لتصح عبادتهم؛ و نبیح لهم المناكح لتطیب ولادتهم، و لهم المتأجر لیزکوا اموالهم) و المراد كما صرح به ایضا الاباحه. صاحب جواهر این اباحه را فقط مختص مناكح، مساكن و متاجر می‌دانند. (صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۱۶، ۱۴۹-۱۴۵) اگرچه برخی فقیهان نظرشان بر تعمیم اباحه استفاده‌ی از انفال است و قید را نپذیرفته‌اند و آن را فقط در مورد ارث بی‌وارث پذیرفته‌اند که فقط برای فقرای دیار میت مباح است (شهید اول، الدروس الشیعه، ۱، ۳۶۴). امام خمینی (ره) که پیشتر نظرشان بر اباحه استفاده‌ی عمومی از انفال بوده و هیچ قیدی را نمی‌پذیرفته‌اند. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱، ۳۶۹). پس از تصدّی ولایت امر مسلمین نظرشان چنین تغییر کرده است: انفال که بر شیعیان تحلیل شده ... آیا امروز هم شیعیان می‌توانند بی‌هیچ مانعی با ماشین‌های کذایی جنگل‌ها را از بین ببرند و آنچه را باعث حفظ و سلامت محیط زیست است نابود کنند و جان انسانها را به خطر اندازند و هیچ‌کس هم حق نداشته باشد مانع آنها شود؟ (امام خمینی، صحیفه



نور، ۲۱، ۳۶)

با نگاه به این سخن حکیمانه، می‌توان فهمید که ولایت اسلامی با بازخوانی قوانین اولیه در جهت نیل به حیات انسانی و عدالت اجتماعی، برخی احکام اولیه را نیز تغییر می‌دهد و اجرای آن را متوقف می‌نماید و یا برای اجرای عادلانه آنها تصمیم مقتضی می‌گیرد.

هـ) مرزهای جغرافیایی در بحث محیط زیست در منابع دینی

زمین محسوس‌ترین عنصر از عناصر محیط زیست به شمار می‌رود که به جمیع ساکنان فعلی و آینده آن تعلق دارد. قرآن کریم زمین و آسمان را در تسخیر انسانها یاد می‌کند. تسخیر بدان معنا است که قبل از آن قابل سکونت و استفاده نبوده است. «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»: برای شما تسخیر نمود آنچه که در آسمانها و زمین است. (جاثیه، ۱۳) مراد از «لکم» در این آیه، همه چیز در آسمان و زمین برای همه‌ی انسانها است. بنابراین محدوده‌ی جغرافیایی کشوری خاص را ملکی خاص نمی‌توان انگاشت که هم حق استفاده و هم حق نابودی آن را داشته باشند به‌ویژه آنکه امروزه جهان به‌صورت دهکده‌ای کوچک تلقی می‌گردد و مقررات بین‌المللی با درنوردیدن مرزهای جغرافیایی حتی در مواهب در دست اختیار دولتی خاص، نیز دخالت می‌نمایند و در صورت بروز زیان قابل سرایت از یک کشور به کشور دیگر، به محاکمه دولت خطاکننده می‌پردازند. بحث از محیط زیست مادی، ما را ناچار می‌سازد تا فقط بر ابعاد دنیوی و مادی موضوع بسنده کنیم ولی این به‌معنی غفلت از جنبه‌های معنوی آن نخواهد بود. تفکیک کامل مادی و معنوی در مباحث قرآنی ناممکن است. بهره‌برداری غلط و آلوده‌کردن منابع پاک محیط زیست سبب شدن این نعمت‌ها از بشر شده و امروز ما عذاب‌های دردناک دنیوی را که آب، خاک و غذای آلوده و مضر است را با تمامی وجود احساس می‌کنیم. اما مسؤولیت در برابر نعمت‌ها بحث جداگانه دیگری می‌طلبد و پاسخگویی در دادگاه عدل الهی خود سخنی گفتنی است که باید در مقاله‌ای مستقل بدان پرداخت که خداوند بدان وعده کرده‌است. درباره نعمت‌ها از انسان‌ها پرسیده خواهد شد: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» سپس در همان روز (قیامت) از نعمت‌ها سؤال خواهید شد. (تکواثر، ۸)



۲- منابع اصلی حقوق محیط زیست در فقه امامیه (سنت و قرآن) و در آثار

نویسندگان

الف) قرآن کریم

آیات الهام‌بخش قرآن کریم که بیانگر نیازهای بشر از ابتدا تا انتها است در مراحل متعددی بحث محیط زیست و احکام آن را بیان می‌نماید.

گروه نخست: نظر به اهمیت مظاهر طبیعی، بسیاری از سوره‌های قرآن به نام پدیده‌های طبیعی نام‌گذاری شده است. مانند سوره‌های رعد، نجم، شمس، ناس، فیل، بقره و

گروه دوم: بسیاری از سوگندهای قرآن کریم به مظاهر طبیعی است که اهمیت قابل سوگند بودن آنها را می‌رساند مانند: والتین والزیتون، والشمس والقمر، والضحی، والفجر، و

گروه سوم: به کار رفتن واژه‌های مربوط به مواهب طبیعی و پدیده‌های موجود در طبیعت مثل ارض و مشتقات آن ۱۵۴۱ بار، سماء ۳۱۰ بار، ماء ۶۴ بار، جبل ۳۶ بار و

گروه چهارم: به بیان احکام تکلیفی و وضعی در بحث محیط زیست می‌پردازد:

«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» هر چه هست خزاین آن نزد ماست و ما جز به اندازه‌ای معین آن را فرو نمی‌فرستیم (حجر، ۲۱)

نخست آنکه بر حفظ توازن در پدیده‌های زیست محیطی تأکید شده است، زیرا که خداوند هر چیز را به اندازه خلق نموده است.

دوم اینکه فسادانگیزی روی زمین حرام دانسته شده است.

و «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»: دیگر آنکه فسادانگیزی روی زمین حرام دانسته شده است. (اعراف، ۵۶)

در این آیه ایجاد فساد بر روی زمین را به هر میزان، حرام دانسته شده است. به دلالت برداشت بعضی از مفسران تخریب محیط زیست را از مصادیق بارز فسادانگیزی بر روی زمین می‌-

توان دانست. (الانصاری القرطسی، الجامع الحکام القرآن، ۳، ۲۲۶)

به نظر مرحوم علامه طباطبایی «فساد هر نوع مصیبت و بلایی است که نظام آراسته و صالح

جاری در عالم را برهم زند و تفاوتی نمی‌کند که مستند به سوء اختیار آدمیان نظیر جنگ، ناامنی از قبیل حوادث طبیعی مانند زلزله، خشکسالی و قحطی ... باشد یا خیر» (طباطبایی، المیزان، ۱۲، ۱۹۵) بنابراین این فساد در این آیه شامل هر نوع تصرف ناشایست انسان‌ها در طبیعت می‌گردد که از نظر قرآن کریم ممنوع و حرام است زیرا که استفاده از محیط زیست می‌باید هدف مند و ارزش مدار باشد.

قرآن کریم تخریب نسل و زراعت را کار افراد ظالم می‌داند و از آن نهی می‌کند: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفَسَادَ» چون از نزد تو بازگردد، در زمین فساد کند و کشتزارها و دام‌ها را نابود سازد، خدا فساد را دوست ندارد. (بقره، ۲۰۵) گرچه نهی، حکم تکلیفی است ولی نتیجه آن حکمی وضعی است و ضمان کسانی را در پی دارد که با ستمگری به نابودی مزارع و آحاد بشر می‌پردازند که می‌باید از عهده چنین خسارتی به محیط زیست برآیند.

ب) سنت

روایات فراوانی به بیان اهمیت توجه به پدیده‌های طبیعی در سنت و سیره معصومین(ع) می‌پردازد از جمله:

- امام صادق(ع): «الا تطيب السكنى الابثلاث، الهواء الطيب و الماء الغزير العذب والارض الخواره»: گوارایی زندگی به سه عامل هوای پاک، آب فراوان و گوارا و زمین حاصل‌خیز بستگی دارد. (ابن شعبه، تحف العقول، ۳۲۰)

محیط زیست از اجزاء و عناصری تشکیل شده که زمینه بقاء و زیستن را برای موجودات فراهم می‌سازند. آسیب دیدن هریک از این عناصر می‌تواند محیط زیست را دچار بحران‌های اساسی سازد. از جمله مهمترین این عناصر آب، هوا و خاک می‌باشد که در این حدیث، امام صادق(ع) به زیبایی به تبیین و نقش حساس آنها در سعادت‌مند کردن و گوارا کردن زندگی بر انسان اشاره کرده‌اند زیرا که اگر این عناصر تشکیل دهنده محیط زیست، آلوده شوند دیگر انسان نمی‌تواند از زندگی خود لذت ببرد و به مصیبت‌های فراوانی در زندگی خویش دچار خواهد شد.



- امام علی(ع): «لا یهلك علی التقوی نسخ الاصل ولا یظلماً علیها زرع قوم»: بقای ریشه‌ی درختان و زراعات به تقوای انسان‌ها است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶)

با دقت در معانی این حدیث در می‌یابیم که تخریب محیط زیست از جمله قطع درختان و زراعات یک فعل حرام می‌باشد زیرا که امام علی(ع) انجام دادن این عمل را منوط به تقوای انسان برشمرده است و کسانی که دست به تخریب محیط زیست خودشان می‌زنند در واقع انسان‌های بی‌تقوا و به دور از تقوای الهی می‌باشند که کار حرامی را در زندگی خویش مرتکب می‌شوند.

- النبی(ص): «لا یخرس مسلم غرساً و لایزرع فیا کل منه انسان و لادابه و لا شی الا کانت له صدقه الی یوم القیامه»: رسول خدا(ص): استفاده‌ی دیگران از درخت و زراعتی که کاشته می‌شود، صدقه جاریه تا روز قیامت برای کسی به‌شمار می‌رود که آن را کاشته است. (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۳، ۴۶۰)

یکی از کارهایی که بزرگان دین، افراد جامعه را به انجام دادن آن تشویق کرده‌اند. انجام دادن کارهای خیر و گذاشتن باقیات صالحاتی برای آخرت خودشان می‌باشد که در دستورات اسلامی به آن اعمال ماتأخر می‌گویند. در این حدیث، در واقع آبادانی و حفاظت از محیط زیست یک عمل «ماتأخر» برای انسان برشمرده شده است که انسان حتی بعد از مرگ خویش نیز می‌تواند از ثمره آن استفاده کند.

- رسول خدا(ص): از ریختن سم در بلاد مشرکان نهی می‌فرمود. (طوسی، تهذیب الاحکام،

۱، ۲۸۳)

- روایاتی وجوب و مقدار فاصله چاه آب آشامیدنی و چاه فاضلاب را تعیین نموده‌اند. (همان،

۴۱۰)

این دو روایت به آلوده ساختن محیط زیست به‌دست انسان اشاره دارند. در این روایت‌ها رسول خدا(ص) از آلوده ساختن آب آشامیدنی و محیط زیست طبیعی شهرها نهی فرموده‌اند زیرا که یکی از مصادیق تخریب محیط زیست، آلوده ساختن آب‌های آشامیدنی می‌باشد که عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب که کیفیت فیزیکی، شیمیایی و یا بیولوژیک آن را به‌طوری که زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد.



- قال رسول الله(ص): «لا تحرقوا النخل و لا تغرقوه بالماء و لا تقطعوا شجرةً مثمرةً و لا تحرقوا زرعاً لانکم لا تدرون لعلکم تحتاجون الیه». رسول خدا(ص): از سوزاندن و به آب بستن و قطع درختان و به آتش کشیدن محصولات کشاورزی نهی نموده‌اند. (کافی، ۲، ۲۹)

در این حدیث هم به طور واضح به یکی از مصادیق تخریب محیط زیست که سوزاندن و قطع درختان می‌باشد توسط رسول خدا(ص) اشاره شده‌است که نهی ایشان از انجام دادن این کار نشان از حرمت این عمل در دین اسلام دارد و باید به شدت از تخریب کردن محیط زیست طبیعی اجتناب شود زیرا که انجام دادن این کار یک فعل حرام است و حداقل اینکه از نهی رسول خدا(ص) استنباط می‌شود که انجام این عمل در دین اسلام، کراهت شدید دارد.

۳- محیط زیست در آثار نویسندگان اسلامی

بحث محیط زیست پیشینه‌ای غنی در فقه اسلامی دارد. خوشبختانه آثار فراوانی در این زمینه از دانشمندان اسلامی به‌جا مانده که مربوط به قرن‌های آغازین پیدایش مکتب تعالی‌بخش اسلام است برای نمونه:

- «الابل» اثر ابوزید بن عبدالله بن حر بن همام کلایی(متوفای ۲۰۱ ق). (فصلنامه فرهنگ جهاد، ۱۳، سال ۴، پاییز ۱۳۷۷، حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد سازندگی)
- «الشمس و القمر» و دیگر «خلق الفرس» اثر نصر بن شمیل بن خوشه یمینی مازنی (متوفای ۲۰۶ ق) اهل بصره و ساکن مرو. (محمد بن اسحاق «ابن ندیم» الفهرست)
- «النسب الخیل» اثر هشام بن سائب بن بشر کلبی (متوفای ۲۰۴ ق). (ناصری، نامه دانشوران، ۵، ۱۴۱)
- همچنین صدها اثر نفیس دیگر در این زمینه وجود دارد که به نوعی در زوایای پدیده‌های طبیعی کاوش کرده‌اند و فوائد و برکات آنها را برشمرده‌اند. آثار نویسندگان اسلامی با بحث مسؤلیت در قبال تخریب محیط زیست ارتباط مستقیم ندارد، اما اهمیت بحث محیط زیست را در نزد ایشان می‌نماید.



– بخش دوم: مبانی نظری مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست

در گفتگو از اینکه براساس چه مبنایی باید عامل زیان را در قبال تخریب محیط زیست مسؤول شناخت، مبانی مختلفی ارائه شده است. لازم است این مبانی را از دیدگاه فقهی مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

نظریه‌ی تقصیر

۱- معیار تشخیص تقصیر

در مورد چستی تقصیر، اختلاف نظر وجود دارد. بعضی معیار شخصی و بعضی معیار نوعی را ملاک می‌دانند. وقتی تقصیر را بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی معنا کنیم باید دید هنگام ورود زیان، بی‌احتیاطی عامل زیان، ملاک وقوع تقصیر است و یا اینکه عامل زیان، احتیاط لازم را رعایت نموده، ولی چون سر زدن این عمل از افراد متعارف دور از انتظار است، باز این عمل تقصیر محسوب می‌گردد. اگر معیار اول را بپذیریم معیار شخصی و اگر معیار دوم را بپذیریم به معیار نوعی معتقد شده‌ایم. مطالعه‌ی مجموع نظرات چنین به دست می‌آید که معیار نوعی یا عرفی مورد قبول فقها است. برای مثال امام خمینی (ره) عامل زیان را به علت عدم رعایت محافظت کافی مقصر می‌داند. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۲، ۳۵۱) همینطور صاحب جواهر در کتاب گرانسنگ جواهر الکلام در مورد این موضوع چنین بحث می‌کند: و من احدث فی طریق المسلمین حدثا لیس له او فی ملک لغيره بغير اذنه من حفر بئر او بناء حائط او نصب خشبه او اقامه جذع او اخراج میزاب او کنیف و ما اشبه ذلك فوق فیه شی او زلق به او اصابه منه شی من هلاک او تلف شی من الاعضاء او کسر شی من الامتعه کان ضامنا لما یصیبه قلیلا کان او کثیرا؛ فأن احدث فی الطریق ماله احدثه لم یکن علیه شی فعلق الضمان بحرمة الاحداث وعد من المحرمات المیزاب؛ فاما ان یرید مطلقه او المضر منه.... عدم الضمان بالشرائط الا ما استفید من النصوص. کسی که در راه مسلمانان بنایی را احدث کند که متعلق به وی نباشد یا در ملک دیگری بدون اجازه صاحب ملک، بنایی یا چاه یا دیوار یا دری یا کندن درخت یا خارج کردن فاضلاب ... و مانند آن را انجام دهد پس در این مواقع اگر شیء ای در چاه بیفتد یا بر اثر برخورد با آن شیء شخصی به هلاکت بیفتد



یا نقص عضو یا خسارتی در مال دیگری بوجود آورد وی ضامن است. (جواهرالکلام، صاحب جواهر، ۴۳، ۱۲۱) محقق حلی نیز در کتاب شرایع در مورد این موضوع چنین بحث می‌کند: لکن اذا اجتمع السبب و المباشرة؛ قدم المباشرة فی الضمان علی ذی السبب، کمن حفر بئراً فی ملک غیره عدواناً، فدفع غیره فیها انساناً، فضمن ما یجنيه الدفع علی الدافع و به این نظر قائل بوده‌اند. زمانی که سبب و مباشر بایکدیگر جمع می‌شود در اینجا در بحث ضمان؛ مباشر بر مسبب مقدم می‌باشد مانند زمانی که عدواناً چاهی در ملک دیگری حفر کند و در نتیجه در آن چاه شخصی بیفتد، پس شخص حفر کننده چاه ضامن است. (محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴، ۲۵۶)

۲- نظریه‌ی تضمین حق

طبق این نظریه اگر کسی به دیگری زیان وارد نماید، مسؤول است، هر چند تقصیری از او سر نزده باشد. (آل کاشف الغطاء، تحریر المجله، ۳، ۱۳۵۹)

بی‌گمان لزوم جبران ضرر سرلوحه‌ی مسؤولیت مدنی و قواعد دیگری برای تأمین این خلأ که ضرری بی‌جبران نماند، وضع شده است. به همین دلیل، یکی از ادله مسؤولیت مدنی در فقه، قاعده‌ی «لا ضرر» است. در کنار لاضرر به قاعده‌ی اتلاف و تسبیب و تفویض نیز استناد گردیده است. اکنون به بررسی این قواعد می‌پردازیم:

۳- قاعده اتلاف

بر اساس این قاعده هرکسی مال دیگری را تلف کند، ضامن است. بعضی از فقیهان تمسک به قاعده‌ی اتلاف را بدیهی شمرده‌اند. از آنجا که این قاعده عمومیت دارد، شامل مورد عمد و غیرعمد و شبه عمد و خطا هم می‌شود. (فاضل لنکرانی، شرح عروه الوثقی، ۴۸)

۴- قاعده‌ی تعدی و تفریط

تعدی و تفریط دو عنوانی است که فقیهان در مسائل ضمان قهری از آنها استفاده کرده‌اند. بحث تعدی و تفریط نیز در مورد این مطرح شده است که چنانچه در نگهداری مال «تعدی یا تفریط» نماید، مسؤول هرگونه زیان رسیده به مال خواهد بود؛ هر چند تلف مستند به فعل او نباشد. قاعده‌ی تعدی و تفریط با قاعده‌ی اتلاف تفاوت اساسی دارد و مسؤولیت در باب تعدی و





تفریط اعم است از مسؤولیت از باب اتلاف، حتی در موردی که شخص از مال خود نیز طوری استفاده نماید که موجب افراط به غیر شود، (کاتوزیان، حقوق مدنی، ۶۵) چنانچه مثلاً در استفاده از راه‌های عمومی تعدی و تفریط نماید، ضامن خسارت محسوب گردد. (حسینی مراغی، العناوین الفقهیه، ۳، ۴۴۵)

۵- قاعده تسبیب

به نظر بسیاری از فقیهان، قاعده‌ی تسبیب شاخه‌ای از قاعده اتلاف است، لکن به‌طور خاص می‌توان به ادله‌ای اشاره کرد که بیشتر ناظر بر قاعده‌ی تسبیب است. مهم‌ترین مستند قاعده‌ی اتلاف، روایاتی است که متضمن مسؤولیت شخصی است که غیرمستقیم موجب بروز خسارت به دیگری شده است. این روایت بر دو دسته تقسیم می‌شود؛ دسته‌ی اول، روایاتی است که متضمن مسؤولیت شخصی است که اگرچه مستقیماً اتلاف را انجام نداده است، ولی فعل فاعل مختار دیگری بین فعل زیان‌بار و ضرر فاصله نشده است، مثل روایت ابوصلاح از امام صادق(ع) که حضرت فرموده‌اند: «کل من اضر بشيء بطریق المسلمین فهو ضامن»: هر کس به واسطه چیزی به راه مسلمانان آسیبی برساند، ضامن (خسارت) می‌باشد. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۹، باب ۱۱، ح ۱) دسته دوم روایاتی است که بیانگر آن است بین فعل زیان‌بار و زیان، فاعل و مختار و با اراده فاصله شده است، مثل روایت ذیل که جمیع بن دراج از امام صادق(ع) نقل می‌نماید: «یودی من المال الذی شهد علیه بقدر ما ذهب من ماله». وظیفه‌ی شاهی که پس از شهادت دروغ، از شهادت خود توبه نماید، آن است که به همان میزان مال که به موجب شهادت او از دیگری خارج شده، همان مقدار مال را به او برگرداند. (همان) در این روایت شهادت دروغ به‌طور غیرمستقیم سبب خسارت به غیر شده است.

۶- قاعده تفویت

قاعده‌ی تفویت در جایی کاربرد دارد که شخصی بدون وضع ید ناروا بر مال دیگری، جلوی تحقق منفعت را بگیرد و با اتلاف تفاوت دارد، زیرا اتلاف مال غیر، ناظر به مال موجود است. (حسینی حائری، فقه العقود، ۱، ۴۷)

۷- قاعده علی الید

مضمون قاعده‌ی علی الید این است که هر کس مال دیگری را أخذ کند، موظف است آن را به صاحبش برگرداند و ضمانت او تا زمان رد باقی است. (همان، ۱، ۵۰)

۸- نظریه احترام اموال

از مجموع مطالبی که در بیان نظرات فقیهان در باب مسؤولیت مدنی بیان کردیم، اینک نظریه‌ی احترام اموال را با توضیحاتی که به منزله‌ی قاعده‌ای کلی در مسؤولیت مدنی که متشکل از دو قاعده اتلاف و لاضرر است، بیان می‌نماییم: قاعده‌ی احترام اموال، از حدیث نبوی (ص) سرچشمه می‌گیرد که فرموده‌اند: «سباب المؤمن فسوق و قتاله کفر و اکل لحمه من معصیه الله و حرمة ماله کحرمة دمه»: ناسزا گفتن به مؤمن گناه و قتل و کفر و غیبت او از معاصی و احترام مال او مثل احترام خون اوست (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۸، باب ۱۴۷، ح ۱۲).

امام خمینی (ره) در مورد احترام مال مؤمن می‌گویند که هدر نبودن خون مؤمن که در برخی شرایط به‌عنوان ضمانت اجرا برای آن قصاص در نظر گرفته شده و یا تحقق برخی شرایط دیگر موجب دیه خواهد بود، می‌رساند که همان ضمانت اجرا در مال مؤمن نیز وجود دارد. بنابراین اگر کسی مال دیگری را تلف نماید ضامن خواهد بود. (موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ۲، ۲۷۹) بنابراین، ناچار از پذیرش قاعده‌ی کلی‌تری به نام قاعده‌ی «احترام اموال» هستیم که براساس قاعده احترام اموال، هر جا رابطه‌ی سببیت منتفی باشد، ولی بتوان قاعده «لاضرر» را بر قرار کرد، از این قاعده استفاده می‌کنیم و هر جا بتوان تلف را منتسب به عامل زیان نمود، قاعده لاضرر، به جبران مافات می‌پردازد. نظریه احترام اموال که جامع دو نظریه اتلاف و لاضرر است و بعضی از بزرگان فقها نیز آن را پذیرفته‌اند، بهترین نظریه در باب مسؤولیت در فقه است.

خلاصه این نظریه این است که مادامی که بتوان رابطه سببیت را ثابت نمود، مسئول زیان طبق قاعده اتلاف مسئول جبران زیان است. برای استناد به رابطه سببیت نیز استناد عرفی زیان کافی است و در مواردی که اسناد بین زیان و زیان کار وجود دارد ولی رابطه سببیت به دلیل دخالت فاعل مختار، محقق نیست، مسئول جبران ضرر فاعل مختار است و چنانچه واسطه بین عامل زیان و زیان، چیزی غیر از فاعل مختار باشد، در این موارد، قاعده لاضرر حاکم خواهد بود تا

زیانی جبران نشده نماند. لذا در موارد خاص در نظر گرفتن مسئولیت مطلق در نظر گرفته شده است. بنابراین، با توجه به اهمیت مواهب طبیعی و تاراج بی‌رویه آنها، امکان معتقد شدن به مسئولیت مطلق در راستای نظریه‌ی احترام اموال وجود دارد.

بخش سوم: ارکان مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست

برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن لازم است که عبارتند از ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه‌ی سببیت. یعنی برای تحقق مسئولیت لازم است که زیانی اتفاق افتاده باشد و عملی از عامل زیان سرزده باشد و آن عمل موجب این ضرر به دست آمده باشد.

- مفهوم ضرر

واژه ضرر در متون اسلامی فراوان به کار رفته است مثل «لا ضرر و لا ضرار» و مفهوم ضرر نزد عرف آن قدر روشن است که هر واژه‌ای که در ردیف آن آورده شود، دارای وضوح کمتری است. (موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۱، ۲۱۵)

بعضی از واژه‌ها مترادف با ضرر به کار رفته است. مثل ضدنفع (فیروز آبادی، القاموس المحيط، ۲، ۷۵) خلاف نفع (جوهری، الصحاح، ۲، ۷۱۹) و ... معنای ضرر خیلی به هم نزدیک است و شاید بتوان معانی اصلی ضرر را «نقص» و «ضیق» دانست ولی به نظر می‌رسد که معنای اصلی ضرر همان نقص باشد. بنابر نظر مرحوم نراغی اگر کسی از تحقق منافی که زمینه به وجود آمدن آن فراهم بوده جلوگیری نماید، از مصادیق ضرر است یعنی عدم نفع هم ضرر محسوب می‌شود. (حسینی مراغی، العناوین، ۱، ۲۰۷) ضرر از ارکان مسئولیت و به عبارت دیگر ضمان در فقه است.

- انواع ضرر

الف) ضرر حال و آینده

اگر معیار وقوع ضرر را زمان حادث شدن فعل زیان‌بار در نظر بگیریم با دو گونه زیان روبه‌رو می‌شویم؛ زیان حال و آینده. زیانی که در زمان وقوع فعل زیان‌بار حادث شده، مثل خراب کردن



خانه کسی، آن را زیان حال می‌گویند که مقدارش معلوم است. اما اگر فعل زیان بار واقع شده و آثار زیان نیز در آینده ظاهر شود، مثل آنجا که کسی غذای مسمومی به دیگری بخوراند که آثار آن بعدها روشن شود. در بحث تخریب محیط زیست، از مشکلات مهم، همین ضررهای مربوط به حال و آینده است که تشخیص آن به سادگی ممکن نیست.

ب) ضرر قطعی و محتمل

زیان از نظر امکان وقوع، به قطعی و محتمل تقسیم می‌شود. زیان قطعی به‌طور حتم واقع می‌شود، چه زمان وقوع آن حال باشد یا آینده، ولی زیان محتمل آن است که درباره‌ی اصل تحقق آن تردید وجود دارد. (سنه‌وری، ۱، ۸۶۲) زیان محتمل با از بین رفتن فرصت تفاوت دارد. در اصل وقوع زیان محتمل تردید است اما در از بین رفتن فرصت، این‌طور نیست. در مقوله‌ی محیط زیست، از بین بردن مواهب طبیعی، ضررهای محتمل زیادی را برای نسل‌های بعد مطرح می‌نماید و چه بسا فرصت‌های آتی فراوانی را با خطر روبه‌رو نمایند.

ج) ضرر مستقیم و غیرمستقیم

در ضرر مستقیم هرگاه میان سبب و زیان، فعل فاعل مختار واسطه شود، زیان به سبب اسناد داده نمی‌شود، مگر در موارد استثنایی. در ضرر غیرمستقیم این وضعیت در موردی است که میان سبب و زیان فعل وجودی واسطه شود. از نمونه‌های ضرر مستقیم، ضرر به نسل فعلی است که از محیط زیست سالم برخوردار نمی‌شود و از نمونه‌های ضرر غیرمستقیم، مخارج دارو و درمان همین نسل در سال‌های بعد است که به‌دلیل آلودگی محیط زیست، هزینه‌های فراوانی را بر خانواده و اجتماع تحویل می‌نماید.

د) ضرر نوعی و شخصی

اگر ملاک ضرر نوعی باشد، در سنجش ضرر به اوضاع و احوال شخصی که ضرر به او وارد شده توجه نمی‌شود. این بحث خصوصاً درجایی که تعارض دو ضرر مطرح می‌شود، اهمیت می‌یابد؛ زیرا جایی که تعارض دو ضرر مطرح می‌شود، باید ضرر بیشتر را در نظر قرار داد و آن را بر ضرر کمتر پیش داشت. بدیهی است که در ضرر به محیط زیست، از معیار ضرر شخصی نمی‌توان استفاده کرد و باید ملاک ضرر نوعی را در نظر گرفت.

– شرایط ضرر قابل جبران

الف) غیر متدارک بودن ضرر

بی‌تردید یک ضرر از چند طریق نباید جبران شود و زیان دیده نمی‌تواند دو یا چند وسیله جبران ضرر را با هم جمع کند. بنابراین، وقتی چند نفر به‌طور تضامنی مسؤول جبران خسارتی هستند، گرفتن خسارت از یکی، دیگران را از دادن خسارت معاف می‌کند. در تخریب محیط زیست پس از اثبات مسؤولیت، شخص ملزم به جبران ضرر جبران نشده است.

ب) قابل پیش‌بینی نبودن ضرر

در مسؤولیت‌های قراردادی این قاعده پذیرفته شده که عهدشکن تنها مسؤول خساراتی است که برای او قابل پیش‌بینی است و دست‌کم در دید عرف چنین خسارتی باید مورد انتظار باشد، زیرا خسارت نامتعارف و دور از انتظار را از کسی که در اجرای تعهد خود کاهلی کرده است، نمی‌توان مطالبه کرد.

ج) شخصی بودن ضرر، نه عمومی بودن آن

وقتی ضرر متوجه شخص خاصی باشد کار زیاد مشکل نیست، ولی وقتی ضرر متوجه یک جمع باشد و نشود فرد خاصی را متضرر از آن عمل زیان‌بار دانست، کار مشکل‌تر است. در بحث تخریب محیط زیست، بحث عمده ما در زیان رسیده به عموم است که باید پیگیری شود.

د) مال بودن و مالکیت داشتن موضوع ضرر

۱) مفهوم مال

برخی از لغت‌شناسان مفهوم لغت را واضح دانسته‌اند (معین، فرهنگ معین، ۳۷۰۸، ۳) و برخی از فقیهان مال را چیزی دانسته‌اند که مورد رغبت مردم باشد. (امام خمینی، ۱، ۲۲۳)

۲) استناد مال به غیر

مسئولیت مدنی دارای دو طرف است: وارد کننده زیان و زیان دیده. طبق قاعده اتلاف هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن است. آیا تخریب محیط زیست که از مشرکات عمومی است، تخریب مال محسوب می‌گردد یا خیر؟ دو نوع اظهارنظر در این مورد صورت گرفته است: موافق و



مخالف. آیات فراوانی در مورد اینکه مواهب طبیعی برای همه‌ی انسان‌ها به طریق اعم و متعلق به مسلمین به‌طور اخص است، نقل شده است که بعضی از آنها در زیر آمده است:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»: پروردگار تو کسی است که آنچه در زمین است را برای شما آفرید. (بقره، ۲۹) یا «وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ»: و برای شما مسخر گردانید کشتی‌ها را.... (ابراهیم، ۳۲)

در معنای لام در «لکم» این آیات، می‌توان گفت که لام یا برای اختصاص است یعنی مختص شما گردانید و یا برای ملکیت است، یعنی به تملک شما در آورد. صاحب تفسیر مجمع‌البیان در توضیح لام در این آیات، لام را «لاجله» برشمرده، یعنی برای شما و همین معنا در تفسیر نمونه نیز در نظر گرفته شده است. (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱، ۷۱) از مجموع این اقوال می‌توان گفت لام چه برای ملکیت باشد یا اختصاص، مالیت را می‌توان از آن استفاده کرد که تخریب آن، تخریب مال، موجب ضمان را به‌دنبال دارد. در روایات رسیده از معصومان(ع) نسبت به مالیت داشتن مواهب طبیعی و تملک آنها توسط عموم یا افراد خاص، مطالبی رسیده است. مواردی در گفتار فقها وجود دارد که با استناد به آن مالیت مشترکات عمومی و مظاهر محیط زیست را می‌توان استخراج نمود. در مورد مالکیت زمین و حیوان، مالکیت مالک بر زمین تا زمانی است که آن را دایر نگاه دارد و بنابر بعضی از اقوال، چنانچه پس از احیای زمین آن را رها کند و کشت و زرع نکند، از مالکیت او خارج می‌شود. علت صدور این حکم از آن روست که زمین مال عموم است و نمی‌شود آن را معطل نهاد. از مجموع این اقوال بدست می‌آید که مشترکات عمومی، مال محسوب می‌شوند و پس از اختصاص یافتن به افراد نیز استفاده از آن شروطی دارد.

۳) فعل زیان‌بار (نامشروع)

دومین رکن تحقق مسؤولیت مدنی سرزدن فعل زیان‌بار یا نامشروع از عامل زیان است. بر خلاف قاعده‌ی ید که بنابر آن، نیاز به انجام فعلی از ناحیه‌ی ضامن نیست و هرگونه خسارت چه مستند به فعل یا غیرفعل، بر صاحب ید است، لازمه‌ی مسؤولیت در ضمان قهری، سرزدن عملی است که موجب زیان شود، در اینجا شخص استیلا بر مال غیر ندارد ولی با انجام فعل یا ترک فعلی موجب زیان به دیگری می‌گردد. بنابراین، برای تحقق مسؤولیت مدنی، صرف فعل زیان‌بار

کافی نیست، بلکه تحقق ضرر و نیز استناد ضرر به فعل زیان بار هم باید ثابت شود. ضمناً باید مانعی در سر راه مسؤولیت وجود نداشته باشد.

الف) تصرف زیان بار شخص در ملک دیگری

شخص به لحاظ مالکیت حق هرگونه تصرف در ملک خود را دارد و اشخاص دیگر بدون رضایت و اذن او نمی‌توانند در ملک او تصرفی کنند و اگر به چنین تصرفی اقدام نمایند، به لحاظ حکم تکلیفی، عملی ممنوع و حرام انجام داده‌اند. زراره در روایتی از امام صادق(ع) می‌پرسد که اگر شخصی در ملک غیر، چاهی حفر نماید آیا ضامن است یا خیر؟ امام می‌فرماید: «و اما من حفر ... فی غیر ما یملک فهو ضامن لما یسقط فیه»: هرکس در غیر ملک خود چاهی حفر کند ضامن چیزی است که در آن می‌افتد (حرعاملی، وسائل الشیعه). در بین فقیهان نیز بعضی با عنوان احداث حدث در ملک غیر، عامل را ضامن خسارت دانسته‌اند. ولوسکن الدار قهرا مع صاحبها ففی الضمان قولان؛ و لو قلنا بالضمان ضمن النصف. (ابن فهد حلی، المهذب الفارع، ۲، ۴۹۶)

ب) تصرف زیان بار در اماکن عمومی

از بحث قبلی وضعیت این فرع نیز روشن می‌شود که تصرف در اماکن عمومی منجر به خسارت هم، ضمان آور است. مگر اینکه عامل زیان از روی خیرخواهی چنین کرده باشد و یا قانون‌گذار اذن خاص برای استفاده بعضی از افراد از اماکن عمومی داده باشد که جزء عوامل رافع مسؤولیت خواهد بود.

ج) فعل زیان بار ناشی از نقص قرارداد یا ضمان قهری در تخریب محیط

زیست

۱) فعل زیان بار ناشی از نقص قرارداد

گاهی تخریب محیط زیست ممکن است به علت تخلف از قرارداد بین شخص خصوصی با شخص عمومی صورت پذیرد، مشهور فقیهان این نوع مسؤولیت را در فقه امامیه انکار کرده‌اند و این نوع مسؤولیت را فقط از طریق تلف مال قابل مطالبه می‌دانند؛ ولی بعضی ضمن قبول این نوع مسؤولیت آن را به عدم‌النتفع هم سرایت داده‌اند. به هر حال، از طریق تلف مال هم می‌توان خسارت



قراردادی را مطالبه کرد. محقق حلی معتقد است چنین خسارتی مطالبه کردنی نیست، چون عنوان ید عدوانی بر آن صادق نیست. فان تلف المغصوب، ضمنه الغاصب بمثله ان كان مثلیا، و هو ما يتساوى قيمه اجزائه. (محقق حلی، شرایع الاسلام، ۳، ۱۸۴)

۲) مسؤولیت مدنی ناشی از ضمان قهری در تخریب محیط زیست

در تجاوز به ذخایر منابع طبیعی لازم نیست که خسارت به فرد مشخصی برسد بلکه تجاوز به اموال عمومی طبق اصل ۵۰ قانون اساسی ضمان آور است و متخلف از حفاظت از محیط زیست، متخلف محسوب شده و مسؤولیت مدنی خواهد داشت و در فقه نیز شاهد جست‌اند که «من له الغنم فعلیه الغرم»: کسی که برای او منفعت و سودی حاصل می‌شود. پس پرداخت خسارت بر عهده‌ی اوست. از اصل ۵۰ نیز می‌توان در طریق تثبیت این نظریه بهره برد ولی ما مبنای مسؤولیت مطلق را برگزیدیم. در مورد رکن سوم تشکیل دهنده مسؤولیت مدنی یعنی رابطه سببیت در قاعده تسبیب بدان اشاره‌ی کوتاهی کردیم.

۳) امکان جمع مسؤولیت قراردادی و قهری در مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب

محیط زیست

پس از اشاره‌ی کوتاه به مسؤولیت مدنی قرار دادی و قهری، گاهی زیان دیده برای خسارت خود تمایل دارد که از هر دو قاعده مسؤولیت قراردادی و قهری استفاده نماید و از بین این دو قاعده‌ای که بیشتر به صلاح است. استفاده نماید. برای مثال، اگر صاحب کارخانه‌ای به همسایگان تعهد دهد که چنانچه به مزارع آنها زیانی رسد، از عهده خسارت برآید، آیا همسایگان می‌توانند هم طبق ضمان قهری علیه صاحب کارخانه اقامه دعوی نمایند یا خیر؟ مهمترین فایده این اختیار این است که خواهان از شرط محدود کننده خسارت در ضمن قرار داد اصلی در امان خواهند بود. از دیگر فواید امکان انتخاب مبنای مسؤولیت، انتخاب دادگاه صالح است که اگر طبق قرار داد بخواهد عمل شود، دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی خسارت، دادگاه محل انعقاد قرارداد است ولی اگر مبنا بر اساس ضمان قهری باشد، طرف زیان دیده، حق خواهد داشت که بر اساس وقوع تقصیر از طرف عامل زیان در محلی غیر از محل وقوع عقد اقامه دعوی نماید.



انتخاب مبنا در مسئولیت مدنی در قبال تخریب محیط زیست

چنانچه گذشت، در برابر مسئولیت ناشی از تخریب محیط زیست، بنابر احترام اموال در حقوق اسلام و در وضعیت خاص، مسئولیت مطلق را برای تخریب‌گران محیط زیست برگزیدیم. از نظریه‌ی مسئولیت مطلق فراوان می‌توان بهره جست، پیکر شکننده طبیعت نباید قربانی بلند پروازی‌های ثروتمندان و خودخواهی‌های فردی و آزادی‌های افراطی گردد که لازمه‌ی آن این است که ضمان صرفاً منوط به اثبات تقصیر نگردد. از این مبنا در جاهایی مختلف می‌توان سود برد. مالکی که کنار جنگل یا مزرعه، ساختمانی دارد، نمی‌تواند در ملک خود تصرفی نماید که موجب زیان به جنگل شود. هر چند تصرف او مباح و متعارف باشد. در این دو فرض دو قاعده «تسلیط» و «لاضرر» با هم تعارض می‌کنند که حکومت مطلق از آن قاعده‌ی «لاضرر» است و ملاک تصرف مباح در املاک خصوصی اینجا به کار نمی‌آید. در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در حقوق ایران نیز باید گفت اگرچه با تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ مسئولیت مبتنی بر تقصیر پذیرفته شده‌است، اما این مبنا در مسأله محیط زیست جوابگو نیست، زیرا اثبات تقصیر زیان کار بسیار مشکل است و خواهان و دادرس را با نارسایی‌هایی رو به رو می‌سازد. (انصاری، مبنای مسئولیت مدنی آلوده کنندگان آب‌های عمومی، ۱۳۲) به دنبال این مبنا که در قانون ایران پذیرفتن مسئولیت بدون تقصیر یا مطلق، نیاز به نص قانونی دارد، برخی از نویسندگان دو راه حل پیشنهاد کرده اند: یکی اینکه مفهوم تقصیر را توسعه دهیم و بگوییم چون تقصیر، تجاوز از رفتاری است که شخص متعارف در همان اوضاع و احوال نسبت به فعل زیان بار دارد، بنابر این رفتار تخریب‌گرایان محیط زیست، تجاوز از رفتار متعارف است، پس چنین اشخاصی مسؤول هستند. یا اینکه بگوییم اصل بر تقصیر مخرب محیط زیست است، مگر بی‌تقصیری خود را ثابت نماید. (انصاری، مبنای مسئولیت مدنی آلوده کنندگان آب‌های عمومی، ۱۳۲) مبنای مسئولیت در قبال محیط زیست در حقوق ایران متأثر از همان مسئولیت مدنی است که عمدتاً بر اساس نظریه تقصیر، رفتار می‌شود. در حقیقت کشور ما در زمینه حقوق محیط زیست و در برخورد با تخریب‌گران محیط زیست با خلأ قانونی رو به روست.



نتیجه‌گیری:

اصول و قواعد مهمی برای حفاظت از محیط زیست قابل تمسک است که مهمترین آنها عبارتند از قاعده لاضرر و قاعده اتلاف. در قاعده لاضرر، از آنجاکه ضرر به صورت مطلق نفی شده، شامل ضرر به فرد یا جمع و ضرر بر انسان و محیط زیست و غیره می‌شود. بنابراین شارع ضرر و ضرار را امضا نکرده است چه مربوط به وجود حکم ضروری باشد و یا ضرری که ناشی از عدم یک حکم باشد. بنابراین، هر فعل ضرری در عالم تکلیف، (هر فعل ضرری که به دیگران ضرر می‌رساند) حرام است و در عالم وضع نیز هر معامله ضرری مثل بیع غبنی محکوم به بطلان است. (مکارم شیرازی، قواعد الفقهیه، ۱، ۶۸) در تطبیق این قاعده با محیط زیست بنابر اینکه معتقد باشیم که قاعده‌ی لاضرر شامل احکام عدمی هم می‌شود، باید گفت اولاً: هرگونه عملی که موجب تخریب یا آلودگی محیط زیست شود، از مصادیق ضرر است، در نتیجه، عمل حرام و حکم وضعی مربوط به این زمینه فساد و بطلان و اعمال مخرب هم موجب ضمان خواهد بود. ثانیاً: عدم تصویب مقررات لازم در این زمینه موجب ضرر و تکلیفاً کوتاهی و حرام شمرده می‌شود و ضمان‌آور خواهد بود. علاوه بر قاعده‌ی لاضرر به قواعد دیگری نیز در این زمینه استناد شده است، مانند قاعده‌ی اتلاف که از موجبات ضمان قهری در فقه شیعه است که مضمون آن ضمان‌آور بودن هرگونه تخریب و آلودگی محیط زیست است که اتلاف محسوب می‌شود و نیز به قاعده‌ی ید و قواعد دیگر هم در این مقوله می‌توان استناد نمود. امروز دیگر نمی‌شود با استناد به قاعده‌ی سلطنت مردم بر اموال خودشان به آنها اجازه داد که در ملک شخصی خود، هر نوع تصرف زیان‌باری به محیط زیست را اعمال نمایند، زیرا قاعده‌ی تقدّم منافع عمومی بر این سلطنت حاکم است و یا با تمسک به قاعده‌ی اباحه استفاده از انفال و مشترکات عمومی، هر نوع استفاده‌ای از طبیعت را روا دارند، زیرا که قاعده‌ی «لاضرر» جلو این‌گونه آسیب زدن به منافع عمومی مردم را می‌گیرد. برای نمونه، با اینکه زمان رسول خدا(ص) برای برنج زکات تعیین نشده بود، زمان امام صادق(ع) برای آن زکات در نظر گرفته شد، چون تولید برنج از محصولات مهم عراق به‌شمار می‌رفت و مشمول خراج نیز گردیده بود. (حرعاملی، وسائل الشیعه، باب ۹، ح ۶) مبنای مسؤلیت مدنی در قبال تخریب محیط زیست در فقه ما که برگرفته از نظرات بزرگانی مثل صاحب جواهر و

صاحب عناوین است، عبارت از «نظریه‌ی احترام اموال» است که مرکب از دو قاعده‌ی اتلاف و «لاضرر» است. مضمون این نظریه این است که تا وقتی بتوان رابطه‌ی سببیت در ورود ضرر را ثابت کرد، قاعده‌ی اتلاف و در غیر این صورت با تحقق استناد، قاعده‌ی «لاضرر» اجرا می‌شود تا ضرری جبران نشده باقی نماند. ما قاعده‌ی «لاضرر» را در احکام عدمی هم جاری و منافع محتمل الحصول را در بحث مطالبه خسارت عدم النفع، قابل مطالبه می‌دانیم. قبول مسئولیت مطلق برای تخریب‌گران محیط زیست در چارچوب نظریه احترام اموال، آثاری به دنبال دارد. مهمترین آن آثار این است که هنگام طرح دعاوی زیست‌محیطی، خواهان نیاز به اثبات تقصیر عامل زیان ندارد.

فهرست منابع :

قرآن کریم

نهج البلاغه

الف) منابع فارسی

- ۱) آل کاشف العطاء، محمد حسین، **تحریر المجله**، مکتبه النجاح، تهران، ۱۳۵۹ ش.
- ۲) ابی ابن جمهور، محمد بن زین‌الدین، **عوالی اللالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة**، مطبعه سیدالشهدا، قم، ۱۳۶۱.
- ۳) ابن ندیم، محمد بن اسحاق، **الفهرست**، کتابخانه ابن سینا، تهران، ۱۳۴۳.
- ۴) بادینی، حسن، **فلسفه مسئولیت مدنی**، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۸۴ ش، چاپ اول.
- ۵) باقری انصاری، **مبنای مسئولیت مدنی آلوده کنندگان آب‌های عمومی**، نشر اندیشه رفیع، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۶) پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه: کلمات قصار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همراه با ترجمه فارسی و نمایه موضوعی**، باهتمام غلامحسین مجیدی، انصاریان، قم، ۱۳۸۵.
- ۷) تقی زاده انصاری، مصطفی، **حقوق محیط زیست در ایران**، سمت، تهران، ۱۳۷۴ ش، چاپ اول.
- ۸) خلیلی، محمدعلی، **فرهنگ عربی به فارسی از المنجد و منتهی الارب**، تهران، ۱۳۰۰.
- ۹) دبیری، مینو، **آلودگی محیط زیست (هوا، آب، خاک)**، ویرایش جدید، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۰) دفترحقوقی و امور مجلس، **مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست**، سازمان حفاظتی



محیط زیست، تهران، ۱۳۸۳ ش.

- (۱) دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، **مبانی علم اقتصاد**، سمت، تهران، ۱۳۷۲ ش، چاپ اول.
- (۱۲) دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷.
- (۱۳) شهیدی، مهدی، **تشکیل قراردادها و تعهدات**، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۵، بی جا، ۱۳۷۴ ش.
- (۱۴) عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، سپهر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- (۱۵) کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی اموال و مالکیت**، نشر یلدا، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- (۱۶) معین، محمد، **فرهنگ معین**، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- (۱۷) مصباح یزدی، محمد تقی، **فلسفه الاخلاق**، شرکت چاپ و نشر بین الملل، قم، ۱۳۸۱ ش.
- (۱۸) معلوف، لوئیس، **المنجد الابدی**، ترجمه قاسم بوستانی، جلد ۲، انتشارات فقیه، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- (۱۹) موسوی خمینی، روح الله، **صحیفه نور**، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- (۲۰) محقق داماد، مصطفی، **قواعد فقه**، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ۱۳۷۸.
- (۲۱) مصطفی، ابراهیم، **معجم الوسیط**، دار الدعوه، استانبول، ۱۳۶۱.
- (۲۲) نوری، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل**، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۴۰.
- (۲۳) **نامه دانشوران ناصری در شرح حال ششصد تن از دانشمندان نامی**، نوشته جمعی از فضلا و دانشمندان دوره قاجار، مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر، قم، ۱۳۳۸.

ب) منابع عربی

- (۲۴) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **المهذب البارع فی شرح المختصر النافع**، تحقیق مجتبی عراقی، مؤسسه نشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ ق.
- (۲۵) ابن شعبه، حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله)**، الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۹۴ ق.
- (۲۶) انصاری، مرتضی، **کتاب المکاسب**، جلد ۱، مؤسسه مطبوعات دینی، قم، ۱۳۷۹ ق.
- (۲۷) بجنوردی، محمد حسن، **القواعد الفقهیه**، تحقیق محمد حسین درایتی، مهدی مهریزی، نشر الیهادی، قم، ۱۴۱۹ ق.
- (۲۸) جوهری، اسماعیل ابن حماد، **تاج اللغة و صحابه العربیه**، صحاح اللغة، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ ق.



- ۲۹) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق ربانی شیرازی، دار الحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- ۳۰) حسینی المرآی، میر عبدالفتاح، العناوین الفقہیہ، الطبقة الوای، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
- ۳۱) حسینی حائری، کاظم، فقه العقود، مجمع الفكر الاسلامی، قم، ۱۴۲۳ق.
- ۳۲) حلبی، ابوالصلاح، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۳ق.
- ۳۳) زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- ۳۴) سراج، محمد احمد، ضمان العدوان فی العقد الاسلامی، دار الثقافه للنشر و التوزیع، قاهره، ۱۴۱۰ق.
- ۳۵) سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون لمذنی الجدید، جلد ۱، نشر الجمحات المصریہ، القاهره، ۱۹۵۲م.
- ۳۶) شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشریعہ فی فقه الامامیہ، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ق.
- ۳۷) صاحب جواهر، محمد حسن، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ۳۸) طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
- ۳۹) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، جلد ۶، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- ۴۰) طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، تحقیق سید حسن موسوی خراسانی، دارالکتب الاسلامیہ، قم، ۱۳۶۵ق.
- ۴۱) عاملی، زین الدین بن علی، الروضه البهیہ فی الشرح المعه الدمشقیہ، کتابفروشی داوری، قم، ۱۴۱۰ق.
- ۴۲) فاضل لنکرانی، محمد، شرح عروه الوثقی، جلد ۲، اعتماد، قم، ۱۴۲۲ق.
- ۴۳) فیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط (والقابوس الوسیط الجامع لمآذہب من کلام العرب شماطیط)، مجمع الذخائر الاسلامیہ، قم، ۱۴۱۸ق.
- ۴۴) قرطبی، محمد بن احمد، فہارس الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العلمیہ، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ۴۵) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعہ لدرر الاخبار الائمه الاطهار (علیہم السلام)، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- ۴۶) محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۱، بی جا، ۱۳۷۰ق.
- ۴۷) مکارم شیرازی، ناصر، قواعد الفقہیہ، مکتب الاسلامیہ، قم، بی تا.



- ۴۸) منتظری، حسینعلی، **دراسات في ولايت الفقيه**، دارالفکر، قم، بی تا.
- ۴۹) موسوی خمینی، سید روح الله، **مکاسب محرمة**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، بی تا.
- ۵۰) موسوی الخویی، ابوالقاسم، **مبانی تکلمه المنهاج**، جلد ۲، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۹۵ ق.
- ۵۱) موسوی خمینی، روح الله، **تحریر الوسيله**، دار الکتب العلمیه، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۹ ق.
- ۵۲) موسوی خمینی، روح الله، **کتاب البیع**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، بی تا.

ج) منابع انگلیسی:

- 1) Veiney Genevieve Droit civil .introductionala responsabil.
- 2) Conise Dictionary of law , Blacks law Dictionary. VI.prosser .

